

تأثیر فضای سبز و طراحی منظر بر ارتقاء احساس تعلق به مکان در مجتمع‌های مسکونی

مهندس ساسان خطیبی*، دکتر لیلا زارع**، دکتر محمد هادی کابلی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۸/۲۰

چکیده

امروزه در طراحی مجتمع‌های مسکونی هدف اصلی صرفه اقتصادی و تأمین سرپناه مدنظر است طراحی فضاها بیش از آنکه بر اساس نیاز ساکنان باشد متکی بر ایده طراحان است، از چالش‌های مهم به کارگیری معیارهایی است که احساس تعلق به مکان را ارتقاء داده و به حرفه کمک کند طرح‌های ارائه شده با خواسته‌ها، سلايق و اقلیم تطابق بیشتر داشته باشد. در این پژوهش به نقش فضای باز و سبز مجتمع‌های مسکونی در ارتقاء حس تعلق به مکان پرداخته شده است که با روشی تحلیلی و از طریق موردپژوهشی ابتدا معیارهای احساس تعلق به مکان از متون نظری استنتاج و سپس در چند مجتمع مسکونی به آزمون گذاشته شد. بین نحوه‌ی اظهارنظر و احساس تعلق مکانی دو گروه ساکنان تفاوت معناداری موجود بود، ساکنان برخوردار از محیط مطلوب و واجد فضای سبز طراحی شده، دیدگاه مثبت و احساس تعلق بیشتری نسبت به محیط خود داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی

فضای سبز، مجتمع مسکونی، حس تعلق به مکان، مطلوبیت فضایی

** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Email: sasan.khatibi@outlook.com
 ** استادیار گروه معماری واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات) Email: Zare@wtiau.ac.ir
 *** استادیار گروه معماری واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران.

مقدمه

ب) مطالبی در مورد ادراک و شناخت محیط، شخصیت و محیط، فضای شخصی و محیط را، مطرح می‌کند وی در مورد محل سکونت از دو واژه سکونتگاه و خانه استفاده می‌کند و خانه را فضایی می‌داند که در آن حس تعلق خاطر پدید می‌آید، و عنوان می‌کند خانه، بخش مهمی از هویت ما است، لذا در این راستا اهداف پژوهش به شرح زیر دسته‌بندی و تدقیق گردید.

۱. تدقیق تأثیر الگوی سکونت بر روابط انسان از مبانی نظری و متون تخصصی با تأکید بر تأثیر فضای سبز و معماری منظر در ارتقاء احساس تعلق به مکان

۲. تعیین مؤلفه‌های تأثیرگذار محیط در مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان و ارتقاء احساس تعلق به مکان از منظر فضای سبز و محوطه مجتمع مسکونی

۳. بررسی دلایل رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر آن بر روابط انسان به‌منظور بالا بردن رضایت‌مندی از مجتمع‌های مسکونی و ارتقاء احساس تعلق به مکان

لذا در این مقاله پس از بررسی پیشینه نظری موضوع و تحلیل توصیفی آن، مدل سنجش مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر محوطه و فضای سبز ارائه شد و سپس به‌صورت عملیاتی در چند مجموعه مسکونی مورد آزمون قرار گرفته شد.

روش پژوهش

در این پژوهش به بررسی و ارزیابی فضاهای سبز به‌عنوان یکی از مؤثرترین معیارهای مؤلفه‌ی کالبدی در جهت ارتقاء کیفیت و مطلوبیت فضایی محیط‌های مسکونی به‌منظور بالا بردن شرایط محیطی مؤثر بر ارتقاء احساس تعلق به مکان پرداخته شده است. در بحث مبانی نظری تحقیق با استفاده از روش شفاف‌سازی متن و تحلیل محتوای متن با بررسی متون مرتبط با مطلوبیت فضایی و طراحی منظر، تعاریف و مفاهیم مرتبط با موضوع تحقیق تدقیق و ارائه گردید و سپس با رویکردی تحلیلی و مقایسه‌ای با استفاده از نظریات کاربران فضا استنتاج نهایی و معیارهای مطلوبیت فضایی دسته‌بندی و ارزش‌گذاری شده‌اند در این راستا به مقایسه‌ی تطبیقی چند نمونه مجتمع مسکونی برخی واجد فضای سبز مطلوب و برخی فاقد کیفیت‌های محیطی مدنظر پرداخته شد و با ساکنان دو گروه نمونه‌های موردی پرسش‌نامه صورت پذیرفت و تلاش گردید معیارهای مطلوبیت فضایی دسته‌بندی و مشخص گردد. سپس با استفاده از روش تحلیلی-مقایسه‌ای با انتخاب ۴ نمونه مجتمع مسکونی در دو دسته مطلوب و نامطلوب، که محیط‌های مطلوب واجد فضای سبز مناسب و گروه دیگر فاقد کیفیت‌های محیطی مدنظر بودند پرداخته شد. لذا ابتدا آمار توصیفی بررسی و سپس در بخش آمار استنباطی با استفاده از آزمون t و روش تحلیل واریانس چند

در دهه‌های اخیر به هم خوردن توازن و رابطه مطلوب و متعادل بین انسان و طبیعت در محیط زندگی، تأثیرات روان‌شناختی نامطلوبی داشته است. تحقیقات گسترده‌ای که در این رابطه و اخیراً انجام شده است به خوبی نشان می‌دهد حضور انسان در محیط طبیعی می‌تواند سبب آرامش و بازیابی روانی و کاهش تنش‌ها گردد. لذا چنانچه در طراحی‌های محیط رابطه بین انسان و طبیعت مطلوب و مطبوع باشد سلامت و بهداشت روانی جامعه نیز ارتقاء می‌یابد. مجتمع‌های مسکونی به عنوان پیچیده‌ترین و مهم‌ترین عملکرد در عرصه معماری عصر حاضر به حساب آمده و می‌تواند تأثیرات بسیاری بر رفتار ساکنین و روابط آنها در پی داشته باشند، افزایش روزافزون جمعیت و به‌تبع آن، نیاز روزافزون به مسکن، نیاز به انبوه‌سازی در قالب مجتمع‌های مسکونی را پدید آورد، که از مهم‌ترین تحولات در فرایند اسکان بشر در شهرها است و به فرم غالب مسکن شهری در دوران معاصر تبدیل شده است. مسکن از مهم‌ترین مقوله‌های معماری است که بخش اعظم شهرها را در برمی‌گیرد و چهره شهرهای متفاوت با معماری مسکونی آنها هویت می‌یابد.

معماری مسکونی به عنوان مهم‌ترین عرصه و فضای معماری که بیشترین ساعات عمر و زندگی انسان که باید همواره با آرامش و امنیت و رشد باشد، در آن سپری می‌شود، حائز اهمیت فوق‌العاده است، آدمی علاوه بر نیازهای کالبدی از مسکن خواسته‌ها و آمال معنوی و روحی را نیز دنبال می‌کند تا در خانه احساس آرامش داشته باشد، لذا مهم‌ترین موضوعی که در ارتباط با مسکن باید مورد توجه قرار گیرد، انسان است. هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل تأثیرگذار در کیفیت بخشی به فضای باز در مجتمع‌های مسکونی و ارائه مدل جهت ارزیابی آن و ارائه راهکار عملی در راستای افزایش دل‌بستگی ساکنان در مجتمع مسکونی برای قشر متوسط در شهر تهران است.

مشکل مسکن روابط فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روابط عاطفی میان افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، همچنین می‌تواند سبب بروز بحران‌های روحی اخلاقی و اجتماعی گردد، برخی از روان‌شناسان محیط معتقدند شرایط کالبدی، تأثیر انکارناپذیری بر رفتار و افکار و به تبع آن روابط انسان دارد تا آنجا که بررسی رفتار و روابط انسان بدون توجه به محیط و شرایط کالبدی حاکم بر آن امکان‌پذیر نیست. یک محیط مسکونی مطلوب باید بتواند شرایط لازم برای رشد فردی هر یک از افراد خانواده و در نهایت جامعه، را فراهم آورد.

بدون ارتباطات زندگی جوامع انسانی معنی ندارد، جان لنگ (Lang, 1989) معتقد است که یک طرح معماری از طریق قابلیت‌های خود در زندگی مردم دخالت می‌کند بعضی از رفتارها را تسهیل و از انجام بعضی رفتارهای دیگر ممانعت به عمل می‌آورد. رابرت گیفورد (گیفورد، ۱۳۷۸ الف؛ گیفورد، ۱۳۷۸

متغیر (مانوا) تفاوت‌های موجود بین گروه‌ها بررسی شد.

بر اساس تعاریف متغیر پیش بین در این پژوهش وجود دارد:

۱. مجتمع‌های مسکونی که تا ۸۰٪ بر اساس معیارهای مطلوبیت محیطی و ضوابط با تأکید بر فضای باز و سبز و محوطه دلپذیر طراحی شده‌اند. (فضای مطلوب)

۲. مجتمع‌هایی که تا ۲۰٪ بر اساس معیارهای مذکور طراحی شده‌اند. (فضای نامطلوب)

انتخاب‌ها از تهران با بررسی نمونه‌های موجود و مصاحبه و نظرخواهی از اساتید معماری صورت گرفت و با توجه به ویژگی‌های مثبت طرح فضای سبز و منظر مربوطه انجام گرفت.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش به منظور بررسی اطلاعات موردنیاز از شیوه اجرای پرسش‌نامه استفاده شد. سپس سؤالات با هماهنگی اساتید و کارشناسان تدقیق و طراحی گردید، پرسش‌نامه مشتمل بر ۱۰ پرسش در مقیاس لیکرت است و با هدف بررسی نگرش ساکنان به محیط سکونتشان تنظیم گردیده است، ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده بالاتر از ۰/۷ ($\alpha = 0.711$) و مطلوب قلمداد گردیده و با ۳۰ نفر از ساکنان نیز جداگانه مصاحبه صورت پذیرفت. در این پژوهش با توجه به اهداف، متغیر وابسته، نگرش ساکنان به فضای باز و محوطه با تأکید بر فضای سبز است که با استفاده از پرسش‌نامه سنجیده شده است. نکات کلیدی و اهداف مدنظر؛ نگرش ساکنان مجتمع‌های مسکونی نسبت به محیط، فضای باز و سبز که بر انگیزش و رضایتمندی ساکنان و مطلوبیت فضایی مؤثر بوده است، است.

آیا از محیط و فضای محوطه سکونتتان راضی هستید؟

فضای سبز طراحی شده تا چه میزان در رضایت یا عدم رضایت شما نقش داشته است؟

آیا وجود فضای سبز مطبوع و طراحی شده در کاهش اضطراب عصبی مؤثر است؟

آیا با گذراندن وقت در محیط طبیعی مطلوب احساس شادابی و تمديد قوای بیشتر می‌کنید؟

کدام مورد در رضایتمندی شما بیشتر تأثیر دارد؟

در محیط بسته احساس آزادی بیشتری دارید یا در طبیعت و فضای سبز؟

کدام یک از محوطه‌های ارائه شده را بیشتر می‌پسندید؟ چرا؟

برای فعالیت جمعی کدام یک از محوطه‌های ارائه شده را می‌پسندید؟ چرا؟

ترجیح می‌دهید در کدام قسمت محوطه به استراحت و فعالیت‌های اختیاری یا مطالعه بپردازید؟

برای فعالیت جمعی از کدام قسمت‌های محوطه بیشتر استفاده می‌کنید و چرا؟

بهترین خاطراتتان از حیاط و محوطه مجتمعتان به کدام قسمت‌های آن مرتبط است و آیا هیچ‌گاه دلتنگ آن می‌شوید؟

مبانی نظری پژوهش

نیازهای انسان

انسان واجد نیازهای بسیاری است که اقناع آنها موجب رشد و تکامل وی می‌شود و چنانچه به گونه صحیح برآورده نشود موجب ناهماهنگی ابعاد و شخصیت وی را فراهم می‌آورد و بر روابط بین افراد نیز تأثیرات منفی خواهد داشت. اینکه وی چه نیازهایی دارد همواره بین مکاتب مختلف روان‌شناسی مطرح بوده مهم‌ترین این دیدگاه‌ها به شرح زیر است:

جدول ۱. برآورده نشدن نیازهای انسان بر اساس نظریه‌ی مازلو و واکنش‌های ناشی از آن

برآورده نشدن نیازهای انسانی	نیازهای زیستی و حیاتی	ایمنی و امنیت	محبت و احساس تعلق	احترام	خودشکوفایی										
واکنش‌های ناشی از آن	کمبود انرژی	خشکی	بوء تغذیه	استرس	وحشت	نامی	رتبه	اضطراب	از دست دادن حرارت	پر خاشگری	ایجاد حالت دفاعی	کاهش اعتمادبنفس	خود خوار شماری	خود ناباوری	بی‌معنایی در زندگی

نظریه مازلو

نظریه مازلو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع در این زمینه است اگرچه نیازهای مطرح‌شده در این نظریه نسبتاً جامع و دربرگیرنده نیازهای مادی و روانی انسان است، اما هم چون بسیاری از فرضیات مطرح در دوران معاصر وجه روحانی و معنوی حیات انسان و نیازهای مرتبط با آن مغفول مانده است (نقی زاده، ۱۳۸۵، ۹۴). مفهوم سلسله‌مراتب در نیازهای مازلو بر این فرض استوار است که نیازهای سطح پایین باید قبل از نیازهای سطح بالاتر تأمین شوند، که می‌توانند در نظمی سلسله مراتبی ترتیب یابند. (جدول ۱)

تأثیر محیط بر رفتار

محیط از عوامل مهم و مؤثر بر رفتار است. روان‌شناسان محیطی معتقدند، محیط، در سطوح مختلفی رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتارهای آنی، تابعی از وضعیتی هستند که در آن اتفاق می‌افتند، برای مثال آرایش مبلمان در یک اتاق، بر شیوه تعامل افراد در آن اتاق با یکدیگر، تأثیر می‌گذارد. شخصیت مردم یک کشور توسط طبیعت و نوع محیطی که برای مدتی طولانی در آن زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرد، تفاوت‌های نژادی در شخصیت، تا حد زیادی به تفاوت محیط‌هایی که مردم نژادهای مختلف برای چندین نسل در آن زیسته‌اند بستگی دارد (راپاپورت، ۱۳۸۱).

آب‌وهوا، بر روی خلق‌وخوی انسان تأثیر می‌گذارد. آب‌وهوای سرد، مردم را فعال و سخت‌کوش می‌کند، محیط نامساعد و دشوار، مردم را جسور می‌کند، مردم این‌گونه محیط‌ها، آدم‌هایی، عملگرا بار می‌آیند و رویکرد آنها به محیط، رقابت جویانه یا بهره‌بردارانه است. در نقطه مقابل، مردمی که در آب‌وهوای گرم زندگی می‌کنند، معمولاً آدم‌هایی غیرفعال هستند. آب‌وهوای معتدل، مردمی با خلق‌وخوی «خالص» و معتدل به بار می‌آورد، ویژگی این نوع خلق‌وخو آگاهی از خود و رابطه با محیط است،

زنگی این افراد در هماهنگی با محیط است و بینشی که نسبت به نقش محیط در بهبود زندگی دارند باعث احساس نیاز به حفظ محیط طبیعی می‌گردد (راپاپورت، ۱۳۸۴).

سکونت

در لغت‌نامه دهخدا به معنای، اقامت و آرامش، بیان گردیده و ریشه لغوی آن از سکون به معنای جای گرفتن در خانه است (دهخدا، ۱۳۷۳) در فرهنگ حمید سکونت به معنای آرمیدن، آرامش و آرام است (سیاح، ۱۳۷۸). واژه سکونت به معنای اقامت کردن و سکنی گزیدن بوده و در ادبیات ما معنای آرامش و تسکین را نیز در بر دارد. این رابطه دوسویه بین محیط و انسان همان حس سکونت است، حس تعلق داشتن به چیزی (رهبری‌منش، ۱۳۸۹، ۱۰۰).

مفهوم سکونت در تفکر شولتز

شولتز، در کتاب مفهوم سکونت می‌نویسد «سکونت از سقفی را سایبان قرار دادن و چند مترمربعی از زمین را زیر پا گرفتن فراتر رفته و به برقراری پیوندی پرمعنا با مکانی مفروض که می‌تواند، هر یک از سطوح مختلف محیط باشد، تبدیل می‌گردد». عموماً سکونت داشتن سقفی در بالای سر و چند مترمربعی زمین در زیر پا تعبیر می‌گردد، (برداشتی صرفاً مادی و کمی) شولتز به این برداشت، مفهومی وجودی و کیفی می‌بخشد، به تعبیر وی سکنی گزیدن یعنی در آن واحد، تعلق خاطر یافتن به مکانی خاص (شولتز، ۱۳۹۴، ۱۸).

مسکن

مسکن اسم مکان است. به معنای محل آرامش و سکون مکانی که انسان در آن زندگی می‌کند، در لغت‌نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باشش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام، مسکن در معنای محتوایی خود با مفاهیمی چون آسایش، آرامش و امنیت و محلی که این نیازها را تحقق

جدول ۲. دیدگاه‌ها در مورد خانه و مسکن

جمع‌بندی دیدگاه‌ها در مورد خانه و مسکن	
گاستون بچلارد	خانه محل آینده‌سازی و رویا پردازی است و این امکان را می‌دهد که با آرامش در خیالات غرق شد
امس راپاپورت	خانه پدیده‌ای است فرهنگی و شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگ است
نوربرگ شولتز	مهم‌ترین ویژگی خانه، احساس تعلق به آن است
ادوارد تی هال	خانه محلی است که در آن مهم‌ترین و پر معنی‌ترین جنبه‌های زندگی تجربه و ادراک می‌شود (Hall, 1966)
رابرت گیفورد	خانه مهم‌ترین بخش از هویت ما است

می‌بخشد، همراه است (دهخدا، ۱۳۷۳).

فضای سبز و طراحی منظر

حضور فضای سبز و گل و گیاه؛ دید به طبیعت حضور عناصر طبیعی از ملزومات ایجاد فضای خلاق است حتی آوای طبیعت در ارتقاء کیفیت محیط و احساس تعلق به مکان تأثیر به سزا دارد در این رابطه با توجه به اهمیت حضور طبیعت و عناصر طبیعی در محیط بهتر است مروری بر طراحی منظر و چگونگی استفاده از عناصر طبیعی در هنر و علم طراحی منظر به منظور ارتقاء کیفیت محیط صورت پذیرد. واژه انگلیسی لندسکیپ^۱ از دو بخش زمین و منظر تشکیل شده است. اما در فارسی به‌عنوان معادل برای آن واژه‌ی "منظره" در نظر گرفته شده است. اما این واژه بار مفهومی واژه انگلیسی را ندارد. چشم‌انداز کلی طبیعت «لندسکیپ» است اما درجایی که بشر در آن دخالت کرده باشد و یا، تغییراتی انجام داده یا طراحی کرده باشد، بحث طراحی یا معماری منظر مطرح می‌شود. معماری منظر دانشی است که به فضای بیرونی ساختمان‌های بسته و به چشم‌انداز آن همراه ساختار محیطی آن، از دیدگاه محیط‌زیستی و از دیدگاه رابطه آن با زندگی انسان، و از دیدگاه هنر و جنبه‌های زیبایی‌شناسی می‌پردازد. درواقع معماری منظر، هنر طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت زمین، نظام‌دهی به طبیعت و عناصر دست‌ساز انسان

در دومین اجلاس اسکان بشر به سال (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی و امنیت مناسب، پایداری و دوام سازه‌ای و روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آب‌رسانی مناسب، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل‌دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود» (دلال پور، ۱۳۷۹). مسکن علاوه بر حفظ و حراست انسان از سرما و گرما وظایف دیگری نیز بر عهده دارد. در حقیقت مسکن امروزی نه‌تنها مکانی برای آموزش و فراغت انسان است بلکه می‌تواند در جهت اعتلای فکری و روحی انسان مؤثر واقع شود و موجبات پیشرفت وی را فراهم آورد. بنابراین در جهان امروز، مسکن به عنوان یکی از نیازهای ضروری انسان کارکردهای متنوعی دارد (یحیوی، ۱۳۵۸، ۱۳۴). در این رابطه دیدگاه‌های مطروحه به شکل جدول ۲ جمع‌بندی و ارائه گردیده است.

جدول ۳. شش عنصر اصلی در طراحی بیوفیلیک (Source: Kellert, 2008)

ویژگی‌های محیطی Environmental Features	۱	خصوصیات شناخته‌شده و ویژگی‌های محیط طبیعی مانند: گیاهان، نور خورشید، آب و ... را شامل می‌شود که می‌توان آنها را در طراحی ساختمان در نظر گرفت. برای مثال: جهت استفاده از نور خورشید، می‌توان در طراحی حداکثر نور روز برای فضاها ایجاد کرد.
شکل‌های طبیعی Natural shapes and forms	۲	نشان دادن شکل‌ها و فرم‌هایی که در طبیعت یافت می‌شود، از شبیه‌سازی و تقلید کردن از فرم‌های طبیعی که بیشتر در نمای ساختمان‌ها و فضاهای داخلی به کار گرفته می‌شود. برای مثال: ستون‌های درخت شکل که در فضاهای داخلی برای نگهداری سقف استفاده می‌شوند، احساس حضور میان درختان را برمی‌انگیزند.
الگوها و فرآیندهای طبیعی Natural patterns and processes	۳	این عنصر به جای شبیه‌سازی و تقلید از فرم‌های طبیعی به بهره‌وری از الگو و عملکرد یافت شده در طبیعت می‌پردازد. برای مثال: از آنجاکه عناصر طبیعت فراکتال هستند، با مطالعه‌ی طبیعت می‌توان، اصول حاکم بر هندسه فراکتال را به دست آورد و با آن محیط ساخته‌شده را به وجود آورد.
نور و فضا Light and Space	۴	فضاسازی و نورپردازی مناسب که در هم تنیدگی نور، فضا و ماده را شامل می‌شود، تنوع و جذابیت بودن در محیط طبیعی، را تداعی می‌کند. برای مثال: بازی با نور و سایه در فضا، یادآور، سایه و روشنی در طبیعت است.
روابط مبتنی بر مکان Place-Based relationships	۵	ارتباط بین ساختمان و ویژگی‌های جغرافیایی، اکولوژیکی، تاریخی و فرهنگی مکان ساخت بنا را شامل می‌شود. که باید پیش از طراحی مورد مطالعه، و در طراحی لحاظ گردند. برای مثال: تشخیص مصالح بومی و استفاده از آنها در ساخت بنا.
تکامل روابط انسان - طبیعت Evolved human-nature	۶	گرایش فطری و ذاتی انسان به وابستگی به طبیعت و برقراری ارتباط با آن. برای مثال: تأمین برخی از نیازهای روانی انسان از طریق ارتباط با طبیعت.



شکل ۱. ویژگی‌های مسکن مطلوب

فکری در فرد شده و خستگی‌های فکری و جسمی ناشی از کار روزانه را از وی زدوده و او را از جنبه روانی آماده فعالیت‌های آینده کند (اهری و همکاران، ۱۳۶۷). مسکن مطلوب، مسکنی است که بتواند هر چه بیشتر انسان را در راه نیل به هدف غائی خلقت، یعنی کمال، یاری رساند، و بی‌شک هر قدر در طی این مسیر مؤثرتر باشد، از درجه مطلوبیت بیشتری برخوردار است (ذبیحی، ۱۳۷۸).

۱. انسان در جهت نیل به کمال باید در مسکنی، سکنی‌گزیند که در آن احساس آرامش و آسایش نماید و لذا یک مسکن مطلوب باید بتواند آسایش و آرامش یک خانواده را فراهم آورد

۲. انسان در جهت نیل به کمال باید در مسکنی زندگی کند که در آن احساس امنیت و ایمنی نماید و لذا یک مسکن مطلوب باید بتواند درجات مختلف امنیت را برای ساکنین خود فراهم سازد.

۳. انسان در جهت نیل به کمال باید در مسکنی زندگی کند که در آن احساس محرمت نماید (سیفیان، ۱۳۸۶).

۴. انسان در جهت نیل به کمال باید در مسکنی زندگی کند که در آن امکان ارتباط با طبیعت، امکان مرتفع شدن نیازهای انسان و امکان دسترسی به منابع تأمین‌کننده نیازها فراهم باشد. (شکل ۱)

با در نظر گرفتن مسائل علمی و فرهنگی به‌طوری‌که در آن حفظ و نگهداری منابع طبیعی و نظارت بر آن اهمیتی قابل‌توجه دارد و نتیجه آن دستیابی به محیطی مناسب، کارآمد، زیبا و لذت‌بخش خواهد بود (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴). درواقع دانشی ترکیبی از هنر و علم طراحی است که به زمین، آب، گیاه و ساختمان‌ها نظم و سازمان می‌دهد و همان‌طور که گردن کالن عنوان می‌کند هنر برقراری ارتباطات بین اجزاء و عناصر نامنسجم به‌گونه‌ای زیبا، هدفمند و کارآمد است (کالن، ۱۳۷۷). یکی از مهم‌ترین تحقیقات در مورد تأثیر طبیعت بر جسم و روان انسان، پژوهش «یان مک هارگ» است که به سال ۱۹۶۹ تحت عنوان «طراحی با طبیعت» منتشر شد (مک هارگ، ۱۳۸۶). به عبارتی مطالعات ارزشمند وی به لحاظ علمی ثابت نمود که حضور طبیعت و استفاده از طراحی منظر در کاهش اضطراب و بسیاری مشکلات روانی اجتماعی تأثیر به‌سزا دارد. (جدول ۳)

مسکن مطلوب

طراحی هم‌گام با طبیعت و استفاده از طبیعت و مظاهر آن در طراحی، «تشخیص نیاز فطری انسان برای برقراری ارتباط با طبیعت به همراه پایداری و استراتژی‌های جهانی، طراحی برای خلق محیط‌هایی است که واقعا بتوانند کیفیت زندگی را افزایش دهند» (بندرآباد و شاهچراغی، ۱۳۹۴). یک مسکن مناسب می‌تواند محلی برای تجدیدقوا، تمدد اعصاب و آرامش

بمٹ و یافته

راهبرد نهایی

از روش‌های مؤثر در هدایت رفتار، استفاده از فرم‌ها و معنای احساس فرم و خط در تعریف فضاها است. فضاهاى خطی عموماً پویایی و حرکت و فضاهاى با فرم مربع و دایره بیشتر سکون و مکث را القا می‌کنند. در برنامه‌ریزی کالبدی لازم است به سازگاری فعالیت‌های هم‌جوار و نیز سازگاری آن‌ها با امکانات و محدودیت‌های مکانی و محیط توجه شود. به این ترتیب مکان‌یابی صحیح قلمروها و تفکیک و ادغام صحیح عملکردها ممکن خواهد شد. بنابراین در طراحی محوطه با توجه به الگوی رفتاری بهتر است به مواردی همچون: در نظر گرفتن فضاهای کوچک، انسانی، متنوع و پیچیده، اجتناب از خلق محیطی ساده و یکنواخت به دلیل شباهت با سایر محیط‌های مصنوع شهری، سازمان‌دهی فضاهای باز طبیعی برای اوقات فراغت، ایجاد فضای مطلوب، متنوع و متناسب با نیازهای مردم، ایجاد محیطی امن و آرام در اثر ایجاد محیط‌هایی فعال، انطباق کمیت و کیفیت فضاها با نیاز استفاده‌کنندگان، توجه به فرهنگ استفاده‌کننده در طراحی و شکل‌دهی فضاها در افزایش کارایی، القاء کردن حرکت و پویایی (به‌وسیله فرم فضا، کشیدگی و امتداد فضا)، هم‌چنین گستردگی و گشودگی فضا (به‌وسیله القاء کردن سکون و مکث)، استفاده از ترکیب آب، سنگ، گیاه و ریزش آب ضمن تلطیف هوا با صدای مطلوب برای ایجاد غنای حسی برای افراد، نشستن و تماشا کردن، فراهم کردن امکان تحرک و بازی در فضاهای وسیع، فراهم کردن مبلمان مناسب با رفتارهای فرهنگی، طراحی تداعی‌گر و یادآور خاطره‌ی پیوند دیرینه‌ی انسان با طبیعت، طراحی برای همه‌ی حواس چندگانه از جمله بینایی، بویایی، شنوایی و لامسه، استفاده از نمادهای همیشه زنده در طراحی، برانگیختن تخیل مخاطبان توجه شود. تا ضمن ارتقاء کیفیت محیط بستر برای گسترش خلاقیت‌ها و ارتقاء احساس تعلق به مکان و خلق معنی گردد تا از طریق حضور طبیعت و فضای سبز و طراحی منظر و همگام با طبیعت به ارتقاء احساس تعلق به مکان پرداخته شود.

اهداف طراحی کالبدی

مکانی برای گردهمایی و تشکیل تجمع‌ها، مکانی برای حضور و یا حتی مطالعه؛
مکانی برای، اوقات فراغت، تبادل اندیشه، استفاده از طبیعت، تمرکز و آرامش، الهام از طبیعت؛
واجد سکانس بندی و مراحل و مدارج فضایی، واجد قلمرو فضایی متناسب با اهداف ذکر شده؛
طراحی محیط مناسبی که محیط شلوغ و آشفته‌ی شهر را تبدیل به محیطی مناسب نماید.

مدل مفهومی مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر محوطه و فضای سبز

با توجه به مطالعات صورت گرفته مدل مفهومی مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر فضای سبز در قالب جدول ۴ تدقیق گردید.

با توجه به اهداف پژوهش و مخاطبین آنکه عمدتاً قشر متوسط مدنظر بودند با مصاحبه با اساتید و ارزش‌گذاری راهبردها اولویت‌بندی اهداف راهبردی به شرح زیر صورت پذیرفت:

ایجاد فضایی جهت گذران اوقات فراغت؛

ارتقاء سیمای کالبدی و هویت بصری؛

ارتقاء کیفیت محیط برای حضور مطلوب استفاده‌کنندگان؛

شناسایی و تعیین مکان‌های سازگار و مناسب با عملکردهای فراغتی تفریحی، جهت بالا بردن کارایی؛

ارتقاء هویت بصری با استفاده از عناصر بارزش و جذاب و گیاهان واجد ارزش و کف‌سازی جذاب؛

استفاده از مبلمان زیبا با نورپردازی مناسب در مکان‌های مناسب؛

شناسایی و تعیین مکان‌های سازگار و مناسب با عملکردهای مسیرهای پیاده در سرتاسر محیط همراه با تعیین نقاط جذاب بصری جهت استفاده از آن؛

ملحوظ داشتن فضای مناسب پارک ماشین به‌نحوی که حوزه‌های حرکت پیاده را مخدوش نسازد؛

طراحی ورودی‌های خوانا و محورهای حرکتی پیاده جذاب؛

تعریف نقاط عطف شاخص و تعریف محورهای حرکتی مناسب جهت جذب جمعیت ساکنان؛

تعیین امکانات موردنیاز ساکنان و مکان‌یابی مناسب آن به‌نحوی که فضای جمعی مطلوبی فراهم آورد؛

مکان‌گیری متناسب با اقلیم منطقه به‌نحوی که حداکثر مطلوبیت فضایی فراهم گردد؛

طراحی محل‌های اجتماع مناسب برای ساکنان؛

مسدود کردن دیدهای بصری با استفاده از گیاهان، المان‌های جذاب و کاشت گیاهان مناسب جهت ارتفاع کیفیت بصری و هویت کالبدی؛

نورپردازی مناسب

جدول ۴. عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی

عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی		عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی	
		عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی	عوامل مؤثر بر مطلوبیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی
امکانات ورزشی	امکانات تفریحی و اوقات فراغت	چگونگی وجود امکانات در مجتمع‌ها	امکانات خدماتی و رفاهی
	امکانات زیرساختی		
ویژگی‌های کمی	ابعاد فضاها	ویژگی‌های کیفی	واحد‌های مسکونی
	تعداد اتاق‌های خواب		
	نسبت اندازه محوطه و فضای سبز به واحدها		
	وسعت محوطه و فضای سبز		
ویژگی‌های کیفی	تفکیک حریم‌های عمومی و خصوصی از هم	واحد‌های مسکونی	واحد‌های مسکونی
	ویژگی معماری فضاهای داخلی		
	نور فضاها		
	تناسبات فضاها		
	چشم‌انداز فضاها		
	سبک معماری		
	رنگ فضاها		
	چگونگی و ویژگی طراحی محوطه		
چگونگی طراحی فضای سبز و محوطه			
دسترسی	سلسله‌مراتب دسترسی به شبکه ارتباطی مطلوب شهری	دسترسی	دسترسی
	دسترسی مناسب به خدمات، تسهیلات و کاربری‌های مهم شهری		
	دسترسی سواره و پیاده در داخل مجتمع و نحوه تفکیک آنها از هم		
	دسترسی مناسب به واحد مسکونی: ورودی - راه‌پله، آسانسور، راهروها		
توده و فضا	چیدمان مطلوب بلوک‌ها	توده و فضا	توده و فضا
	سطح اشغال و تراکم مناسب		
سیمای شهر	فضای باز، جهت بازی کودکان	سیمای شهر	سیمای شهر
	دید و چشم‌انداز مناسب		
محیط‌زیست	شکل و سیمای مطلوب ساختمان‌ها	محیط‌زیست	محیط‌زیست
	فضای سبز مناسب		
	هوا و جریان باد مناسب		
	عدم وجود آلودگی‌های محیطی		
	عدم وجود آلودگی‌های صوتی		
معیارهای اجتماعی-فرهنگی	نور مناسب	معیارهای اجتماعی-فرهنگی	معیارهای اجتماعی-فرهنگی
	آشنایی و روابط با همسایگان		
	مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی		
امنیت و حفاظت مطلوب		امنیت و حفاظت مطلوب	

جدول ۵. نتایج تحلیل چند متغیر (مانوا) تفاوت دو گروه محیط‌های مطلوب و نامطلوب در آزمون نحوه استفاده از محوطه و فضای سبز در مجتمع مسکونی

ارزش	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
ویلکز	۲۴/۰۶۱	۰/۰۰۱	۰/۱۹۰	۱

اهداف خرد

طراحی پیش فضای مناسب، محلی برای آماده کردن مخاطب جهت ورود به فضایی متمایز، طراحی فضایی تعریف شده با دعوت‌کنندگی و به عنوان واسطی جذاب؛

طراحی، خوانا، متناسب با کارکرد دعوت‌کننده، با هویت، زیبا، کارآمد؛

ملحوظ داشتن ساکنان‌های فضایی در کلیه عرصه‌ها و قلمروهای فضایی طراحی شده.

اهداف عملیاتی

بدین شرح: آغاز هر ساکنان فضایی واجد پیش‌فضایی کاملاً متمایز باشد که در بدو ورود مخاطب فضایی احساس کند وارد قلمرویی متمایز می‌شود. (هدف: انفصال) و مخاطب خود را آماده کند که به فضایی دیگر وارد شود. ساکنان بعدی وادی جذب و اشتیاق، ایجاد انگیزه و انکشاف فضایی است. (طلب) در این ساکنان در عین ارائه کردن طبیعت و زیبایی‌های آن کنش متقابل فضایی میل به ادامه و کشف را در مخاطب به همراه خواهد آورد. ساکنان بعدی ارائه پیش‌طعمی از آنچه در این حوزه رخ خواهد داد برای استفاده‌کننده از فضا ارائه می‌شود.

فضاها و فعالیت‌های قابل حصول با شیوه‌های جذاب ارائه خواهد شد (انگیزش).

در عین آنکه فضای محوطه کل واحد به هم پیوسته‌ای است اما قلمروهایی کاملاً متمایز و ساکنان بندی شده مانند یک فیلم جذاب و به یادماندنی کلیت واحد را می‌سازد و تأکید در تمام مراحل و مدارج فضایی بر احساس حضور و پیوند مخاطب با مکان است.

نتیجه‌گیری

همانطور که در مبحث مبانی نظری پژوهش اشاره شد فضای سبز و معماری منظر به عنوان عاملی کلیدی و تأثیرگذار در احساس

تعلق به مکان و فعالیت ساکنان بسیار مؤثر است که علاوه بر احساس آسایش در رشد شخصیت فردی و بهداشت روانی فراگیر نیز تأثیر بسیار دارد.

«با استفاده از ابزارهای لازم و مناسب در طراحی، می‌توان رفتارها را در فضا هدایت کرده، فضاهای مطلوب برای فعالیت مطلوب، پدید آورده اصولاً استفاده صحیح از فضاها مستلزم تعریف فضا برای استفاده‌کننده است.»

همان‌طور که در جدول ۵ نشان می‌دهد نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) تفاوت دو گروه مطلوب و نامطلوب در آزمون نحوه استفاده از فضای سبز را نشان می‌دهد که تفاوتی معنادار است.

یافته‌های پژوهش نشان داد بین میزان دل‌بستگی به مکان از دیدگاه ساکنان در ۲ گروه فضاهای مطلوب و فضاهای نامطلوب تفاوت معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش نشان داد بین میزان رضایتمندی از محیط مسکونی از دیدگاه ساکنان در ۲ گروه فضاهای مطلوب و فضاهای نامطلوب تفاوت معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش نشان داد بین میزان خلق معنی و خاطره جمعی از دیدگاه ساکنان در ۲ گروه فضاهای مطلوب و فضاهای نامطلوب تفاوت معناداری وجود دارد.

یافتی پژوهش نشان داد بین میزان کاهش اضطراب و افزایش شادی از دیدگاه ساکنان در ۲ گروه فضاهای مطلوب و فضاهای نامطلوب تفاوت معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش نشان داد بین بالا رفتن راندمان کاری و افزایش شوق و انگیزش فعالیت از دیدگاه ساکنان در ۲ گروه فضاهای مطلوب و فضاهای نامطلوب تفاوت معناداری وجود دارد.

پی‌نوشت

1. Landscape

فهرست مراجع

۱۱. شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۹۴). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. (امیریار احمدی، مترجم). تهران: نشر آگه.
۱۲. کالن، گوردون. (۱۳۷۷). گزیده منظر شهری. (منوچهر طبیبیان، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. گیفورد، رابرت. (۱۳۷۸ الف). روانشناسی محیط‌های مسکونی. (وحید قبادیان، مترجم). فصلنامه معماری و فرهنگ، ۲ و ۳، ۷۱-۸۰.
۱۴. گیفورد، رابرت (۱۳۷۸ ب). فضای شخصی. (شبیم صحرایی، مترجم). فصلنامه معماری و فرهنگ، ۲ و ۳.
۱۵. مک هارگ، ایان. (۱۳۸۶)، طراحی با طبیعت (غلامحسین وهاب زاده، مترجم). مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد.
۱۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵) مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی. تهران: انتشارات راهیان
۱۷. یحییوی، محسن. (۱۳۵۸). معماری مناسب برای یک مجتمع مسکونی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران ایران.
18. Hall, E. T. (1966). *The Hidden Dimension*. Garden City, NY: Anchor.
19. Kellert, S. R., Heerwagen, R., & Mador, M. (2008). *Biophilic Design: The Theory, Science, and Practice of Bringing Buildings to life*. New Jersey John Wiley & Sons, Inc.
20. Lang, J. (1989). *Creating Architectural Theory*. New York: Van Nostrand Reinhold.
21. Lang, J.(1989) . *Urban Design: The American Experience*. New York: Van Nostrand Reinhold.
۱. اهری، زهرا؛ حبیبی، سید محسن؛ خسرو خاور، فرهاد؛ و ارجمندنیا، اصغر. (۱۳۶۷). مسکن حد/اقل. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن وزارت مسکن و شهرسازی.
۲. بندرآباد، علیرضا؛ و شاه‌چراغی، آزاده. (۱۳۹۴). محاط در محیط، کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳. دلال پور محمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی مسکن تهران: انتشارات سمت.
۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. جلد سیزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. ذبیحی، حسین. (۱۳۷۸). *تحلیلی بر مجموعه‌های مسکونی در شهر تهران*. تهران: انتشارات شهرداری تهران.
۶. راپاپورت، آموس. (۱۳۸۱). به سوی انسان‌شناسی خانه. ترجمه مسعود پرچی عراقی. *فصلنامه آبادی*، ۳۶ و ۳۷، ۱۶-۱۱ و ۴۱-۳۱.
۷. راپاپورت، آموس. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته‌شده. ترجمه دکتر فرح حبیب، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۸. رهبری‌منش، کمال. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر معماری مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان. رساله دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
۹. سیاح، عبدالحمید (۱۳۷۸) فرهنگ جامع فارسی به فارسی. تهران: انتشارات اسلام.
۱۰. سیفیان، محمد کاظم؛ و محمودی، محمد رضا. (۱۳۸۶). محرمیت در معماری سنتی ایران. *هویت‌شهر*، (۱) ۱، ۱۴-۳.

The Impact of Landscape and Green Space on Sense of Belonging to Place according to desirable Residential Complex

Sasan Khatibi, M.A. Student, Department of Architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran Iran.

*Leila Zare**, *Assistant Professor*, Department of Architecture, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mohammad Hadi Kaboli, Assistant Professor, Department of Architecture Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand, Iran.

Abstract

In recent decades, the imbalance occurrence, desired and balanced relationship between human and nature have unpleasant psychological effects. The relevant extent researches indicate that human presence could lead to a convenient life, mental retrieval and the decrease of tension, too. Therefore, if there is a pleasant and desired relevance between human and the environment in its design, the mental health care of the community will be promoted. Nowadays in designing residential complex, the main goal is the economic cost decline and the given shelter provision. Besides being designed with the residents' needs, it has relied on the designers' points of views among which is one of the main criteria in applied challenges by which the sense of belonging to the place is promoted and it assists profession to be more correspondent to the requests, interests, and climate. In this research, the open space' role is examined through promoting the sense of belonging to place, the purpose of this research is to identify the influential factors in qualifying the open space in residential complex and presenting its evaluative model as well as the applicable strategy through enhancing the attachment of residents in given compacts to the middle social class in Tehran city. Thus, the relevant research purposes are classified and determined as follow: 1. Determine the residential pattern effect on human relations from theoretical backgrounds and professional texts with putting emphasis upon the green space and landscape architecture in promoting the sense of belonging to place; 2. Determine the influential environmental aspects in the residential complex on human relationships to promote the sense of belonging to place based on the landscape, green space and surrounding area of the residential complex; 3. Examine the satisfactory reasons for residential complex and its effect on the human relationship to increase the satisfaction of residential complex and promote the sense of belonging to the place. In this research, evaluation of the green space is one of the most influential physical aspects to promote quality and space congeniality of the residential environment in order to enhance the influential environmental conditions on promoting the sense of belonging to the place. In discussing the theoretical background using textual clarification and its content analysis through examining related texts to the desired space, the relevant definitions and concepts to research topic are studied and presented and then, through the analytical and comparative approach and users' preoccupation, the final deductions and criteria are classified and valued. In this regard, the comparative study of several residential complex' samples, desired green space and given environmental non-qualified units is conducted, with two groups of residents, the case studies were done and attempted to both classify and determine the space congeniality. Then, using an analytical-comparative method and selecting 4 residential complex samples in two desired and non-desired groups, the desired qualified landscape green space is suitable and the others lack given environmental qualities. Residents of the desired environment and qualified designed green space had a positive view and more sense of belonging to the place.

Keywords: Green space, Sense of belonging to place, Residential Complex, Desirable space, Tehran

* Corresponding Author: Email: Zare@wtiau.ac.ir